

تحلیلی بر ژئوپلیتیک اقلیم کردستان عراق بعد از فروپاشی داعش

دکتر کیومرث یزدان‌پناه^۱، دکتر حسن کامران^۲ و کمال رنجبری^۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱/۱۵، تاریخ تایید: ۱۳۹۶/۳/۲۶

چکیده

مناطق کردنشین عراق با محوریت دو حزب سستی، اتحادیه میهنی و حزب دمکرات با توجه به فرصت‌هایی که بعد از فروپاشی رژیم بعث، بوجود آمد توانستند در قدرت سهم شونده و اختیارات بی‌شماری را در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی در ساختار جدید عراق به‌دست آورند. در ساختار جدید عراق اقلیم کردستان با محوریت حزب دمکرات در زمینه‌های امنیتی، اقتصادی، سیاست خارجی، قلمروخواهی و... به‌صورت یک‌طرفه عمل کرده و به‌جای طبیعت از الگوی تعاملی دوسویه با حکومت مرکزی عراق از الگوی تقابلی تبعیت کرده است و با حکومت مرکزی در چالش بوده است. بعد از حمله داعش به عراق دشمن مشترک از یکسو، موجب ایجاد همکاری نظامی بین اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق شد و از سوی دیگر، خلاء امنیتی بوجود آمده در مناطق مورد اختلاف موجب قلمروسازی و فروش نفت آن مناطق توسط اقلیم شده و چالش‌ها با حکومت مرکزی را تشدید کرده است. سیاست‌های تقابلی و غیرشفاف حزب دمکرات با حکومت مرکزی در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی و همسویی بیش از حد به ترکیه موجب ایجاد بحران و نارضایتی سایر احزاب در اقلیم کردستان شده است و این شرایط باعث شده جهت توازن قوا در بین جریان‌های سیاسی با توجه به پیشینه تاریخی مشترک، اتحادیه میهنی به ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای نزدیکتر شود. این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای - اینترنتی و اسنادی به تحلیل ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان بعد از فروپاشی داعش پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که جنگ داعش با توجه به ظرفیت‌های پیش‌آمده موجب شده که حزب دمکرات با تشدید سیاست‌های تقابلی با حکومت مرکزی و نزدیکی بیش از حد به کشور ترکیه و همچنین در راستای توازن قوا در ارتباط با قدرت‌های منطقه‌ای اتحادیه میهنی به سمت ایران بیشتر متمایل شود که امکان تجزیه ژئوپلیتیکی کردستان عراق بین قدرت‌های منطقه‌ای (ایران و ترکیه) بیش از پیش محتمل تر به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌گان: عراق، اقلیم کردستان، تجزیه ژئوپلیتیکی، قلمروخواهی، داعش.

۱. استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول، kyazdanpanah@ut.ac.ir

۲. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

مقدمه

گُردهای عراق در طول تاریخ سیاسی آن کشور، همواره با حکومت مرکزی، با توجه به اختلاف‌های قومی در تضاد و تعارض بوده‌اند و هویت قومی خود را خارج از هویت عراقی می‌دانستند. کردستان عراق دارای دو حزب سستی (حزب دمکرات و اتحادیه میهنی کردستان) است که مبارزات سیاسی، اجتماعی و مسلحانه را در کارنامه خود با حکومت‌های مختلف عراق داشته‌اند و دارای پایگاه اجتماعی، نیروی نظامی و قلمرو تحت حکمرانی مربوط به خود هستند. این احزاب با توجه به اندیشه سیاسی مختلف و دعوا بر سر تقسیم قدرت معمولاً در رقابت با یکدیگر بوده‌اند و در دهه ۱۹۹۰ میلادی تا حد جنگ مسلحانه پیش رفته‌اند. پس از حمله آمریکا به عراق و گشایش فصلی جدید در تاریخ سیاسی این کشور، ساختار قدرت فروریخت و کردستان عراق با محوریت احزاب مذکور توانستند نقشی اساسی در نوشتن قانون اساسی جدید عراق ایفا کنند و سیستم جدید حکمرانی در عراق را به سوی فدرالیسم قومی سوق دهند. اقلیم کردستان در قانون اساسی فعلی، جایگاه و موقعیتی دارد که چیزی بیش از یک سیستم فدرالیسم است. حق و تو، حق داشتن نیروهای مسلح، سیاست خارجی مستقل، امکان تصمیمات گسترده در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و... که به هیچ‌یک از این اختیارات در سایر نظام‌های فدرال اجازه داده نمی‌شود و اقلیم کردستان از این بابت یک استثناء است. اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق همواره در کشمکش و ستیز بر سر نحوه اجرای فدرالیسم بوده‌اند و گُردها اختیارات فراایالتی را حق خود می‌دانند، در حالی که حکومت مرکزی این اقدامات را به‌عنوان سیاست گریز از مرکز اقلیم کردستان تفسیر می‌کند که نمونه بارز اختلافات در فروش مستقیم نفت توسط اقلیم و همچنین مناطق مورد مناقشه خارج از اقلیم کردستان جهت پیوستن به این اقلیم است.

همچنین بعد از فروپاشی رژیم بعث و تغییرات اساسی در ساختار قدرت با توجه به ترکیب جمعیتی، سنی‌های عراق سهم کمی از قدرت را گرفتند و وضعیت موجود را در تضاد با منافع خویش دیدند، در حالی که از ابتدای تشکیل عراق به‌طور سستی، قدرت دست اقلیت سنی بوده است. این وضعیت موجب شد که اهل سنت خود را دورافتاده از قدرت در ساختار جدید عراق ببینند و با شرایط جدید همکاری و همراهی مؤثری نداشتند. کشورهای عربی از جمله عربستان و قطر و همچنین ترکیه که ساختار جدید عراق را در راستای منافع ایران می‌دیدند با حمایت‌های آشکار و پنهان از گروه‌های تندرو، این شرایط در عراق را در راستای اهداف خود به‌کار گرفتند و ریشه‌های تروریسم شکل گرفت که خروجی آن گروه تروریستی داعش است که با قلمروسازی در مناطقی از سوریه و عراق در صدد تشکیل حکومت اسلامی با تفسیر خودشان از اسلام برآمدند. داعش توانست در مدتی کوتاه قسمت‌های بزرگی از عراق و سوریه را تصرف کند و با شکست سپاه عراق در مناطق سنی‌نشین کشور اسلامی عراق و شام را تشکیل دهد و شکاف‌های قومی - مذهبی در عراق و منطقه را بیش از پیش تشدید کند. گُردها با استفاده از توانایی بسیج مردمی و عمق داشتن ریشه‌های قومی توانستند با داعش مقابله کنند و بیشترین سود را از این وضعیت نسبی خود نمایند و مناطق مورد مناقشه خود با حکومت مرکزی را با پر کردن خلاء امنیتی در این مناطق ضمیمه خاک اقلیم کردستان کنند. پدیده داعش موجب شد که اقلیم کردستان با محوریت حزب دمکرات به‌صورت مستقیم با قدرت‌های بزرگ جهانی وارد معامله و خرید و فروش اسلحه شود و یک وجهه بین‌المللی را برای خودشان به‌دست آورند. کردها بعد از حمله داعش با فروش مستقیم نفت اقلیم کردستان و استان کرکوک و قلمروسازی در مناطق خارج از اقلیم کردستان

شکاف‌های خود با حکومت مرکزی عراق را بیش از پیش تشدید کرده‌اند. این تحقیق، در صدد پاسخ به این سؤال است که بعد از تضعیف نظامی داعش و پایان جنگ موصل ژئوپلیتیک اقلیم کردستان عراق به کدام سو متمایل می‌شود و اختلافات داخلی و اختلافات منطقه‌ای اقلیم کردستان را به کدام سو سوق می‌دهد.

مبانی نظری

افراط‌گرایی با محوریت داعش

بنیادگرایی اسلامی به معنی بازگشت به اصول و مبانی به‌کار می‌رود. مفهوم بنیادگرایی برای توصیف آن دسته از گروه‌های دینی به‌کار می‌رود که خواهان زندگی براساس اصول و مبانی دینی بدون دخل و تصرف در آن مبانی هستند و خواستار بازگشت به اصول ناب هستند. بنیادگرایی اسلامی به هر جنبشی اطلاق می‌شود که طرفدار اجرای دقیق تعالیم قرآن و شریعت می‌باشند (یزدان پناه، ۱۳۹۴: ۲۸۵). گروه تروریستی داعش با توجه به تفسیر اشتباه خود از اسلام توانست افراد افراطی را در سراسر جهان دور خود جمع کند و اسلام ناب را با توجه به مبانی فکری مربوط به خود در منطقه پیاده کند و افراط‌گرایی، خشونت و عملیات تروریستی را به حد اعلا برساند و از طریق قلمروخواهی و تغییر مرزها در منطقه خاورمیانه خواستار پیاده کردن حکومت مدنظر خود با توجه به اندیشه‌های مذهبی‌شان بودند.

تروریسم

تروریسم به معنای اعمال فردی یا گروهی می‌باشد که از راه ایجاد ترس و وحشت و به‌کار بستن زور می‌خواهند به هدف‌های سیاسی خود برسند. هم‌چنین کارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها برای سرنگونی مخالفان خود و ترساندن آنان نیز در ردیف تروریسم قرار دارد که از آن به‌عنوان «تروریسم دولتی» یاد می‌شود (عبدالله‌خوانی، ۱۳۸۶: ۱۹). تروریسم به‌معنی ایجاد هراس در توده مردم یا گروهی از مردم به‌منظور درهم شکستن مقاومتشان و برقراری نظام یا فرایند سیاسی بر پایه این ترس، از طریق به‌کارگیری اقدامات حاد و خشونت‌بار است. «پلانو» تروریسم را تلاش‌های عناصر دولتی و غیردولتی که سعی می‌کنند با استفاده از روش‌های خشونت‌آمیز، به اهداف سیاسی خود دست یابند، تعریف می‌نماید (Plano, 1988: 201). «دیوید روبرتسون» اظهار می‌دارد: تروریسم استفاده سیاسی از خشونت به‌عنوان ابزاری برای تحت‌فشار قراردادن یک حکومت و یا جامعه جهت پذیرش تغییر سیاسی یا اجتماع رادیکال است (Robertson, 1993: 458). تروریسم شیوه اقدامات تکراری به‌منظور ایجاد دلهره، رعب و وحشت است که به‌دلایل سلیقه‌ورزی، جنایی و یا سیاسی توسط گروه‌های مختلف به‌کار گرفته می‌شود (Schmid, 1993: 8). مناطق سنی‌نشین عراق که بعد از فروپاشی رژیم بعث از قدرت کنار زده شدند وضعیت بوجود آمده را در راستای منافع کردها و شیعیان عراق و همچنین ایران به‌عنوان قدرتی در منطقه دیدند و با دخالت قدرت‌های رقیب ایران در منطقه (ترکیه و عربستان سعودی) فضا به‌سمت افراطی‌گرایی کشیده شد و خروجی آن موجب شکل‌گیری گروه‌های تروریستی با محوریت داعش شد (باقری، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

ژئوپلیتیک

این مفهوم جایگاه ویژه‌ای در مطالعات میان رشته‌ای و پژوهش‌های نظری در حوزه قدرت-سیاست و سرزمین پیدا کرده است. ژئوپلیتیک مطالعه رقابت قدرت‌ها برای سلطه بر منطقه و جهان بر اساس امکاناتی که جغرافیا در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد یا امکاناتی که هر یک از قدرت‌ها در رقابت با دیگری از محیط جغرافیایی می‌گیرند (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۸). ژئوپلیتیک اجزای جغرافیای انسانی را برای بررسی کاربرد و مفاهیم قدرت به کار می‌گیرد. بحث در ماهیت مکان‌ها و ارتباطشان با بقیه جهان یک نزاع قدرت بین منافع و گروه‌های مختلف است (قالیباف؛ پوینده، ۱۳۹۰: ۵۱). محور تمرکز ژئوپلیتیک به‌عنوان تلاش برای کنترل فضا و مکان بر قدرت یا توانایی دست‌یابی به اهداف خاص در مواجهه با مخالفت یا جایگزین‌ها استوار است و همچنین ژئوپلیتیک علم وضعیت‌یابی روندهای سیاسی توسط زمین است. تجزیه ژئوپلیتیکی به‌مفهوم تجزیه یک منطقه یا ناحیه جغرافیایی بین قدرت‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای از بعد نفوذ و سلطه است (همان، ۱۳۹۰: ۵۷-۵۲). وابستگی ژئوپلیتیکی نوعی وابستگی منافع و اهداف یک بازیگر سیاسی به ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیایی کشورها و بازیگران سیاسی دیگر است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

سرزمین

یکی از اصول اولیه در ترسیم مفاهیم جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک که نقش هویتی برای این رشته دارد واژه سرزمین است. سرزمین بخشی از جلوه‌گاه جغرافیایی است که با ادامه فیزیکی قلمرو یک حکومت مماس است. این مفهوم گستره فیزیکی و حمایت سیاسی است که یک ساختار حکومتی به‌خود می‌گیرد و همچنین سرزمین چهره افقی یا فیزیکی کشور است و مفهومی جغرافیایی است که با توجه به‌مفهوم حکومت چهره‌ای سیاسی پیدا می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۴۴). سرزمین فضای جغرافیایی است که با تصوراتی از قدرت، تسلط و مالکیت امیخته است و کنترل سرزمین با قدرت رابطه دو جانبه دارد. کنترل بیشتر سرزمین به افزایش قدرت و افزایش قدرت به امکان کنترل بیشتر سرزمین می‌انجامد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

قلمروسازی توسط اقلیم کردستان

اقلیم کردستان عراق در خلاء بوجود آمده بعد از حمله داعش به عراق به کنترل مردم و پدیده‌ها در مناطقی خارج از حدود قانونی اقلیم کردستان به تعیین حدود و قلمروسازی پرداخته و ادعای حاکمیت بر آن مناطق را دارد. قلمروبخشی از مفهوم گسترده سرزمین محسوب می‌شود و قلمرو به‌عنوان نمود عینی و فضایی برخوردار است از حق طبیعی مالکیت و اصل میل به بقاء به رفتار قلمروخواهانه انسان جهت و معنا داده به‌گونه‌ای که تفسیر کنش و منش انسان عمدتاً تابعی از خصیصه قلمرومندی بوده است. در جغرافیای سیاسی سرزمین، مرز و حاکمیت برای شکل‌دهی به قلمرو رابطه نزدیکی دارد بر این اساس، قلمرو، فضای متأثر از قدرت، سلطه و مالکیت است و شدت نفوذ قدرت، سلطه و مالکیت تابع شاخصه‌های وزن مکانی همچون پهنا، میزان و تنوع منابع طبیعی، شکل و موقعیت آفندی و پدافندی، راهبردی و فضای کارآمدی است (Glassner, 1993: 120-121). قلمروخواهی، تلاش بوسیله فرد یا گروه برای کنترل مردم، پدیده‌ها و روابط با تعیین حدود کردن و ادعای کنترل بر یک ناحیه جغرافیایی یا یک سرزمین است. قلمروخواهی به میزان بسیار زیادی با هنجارهای فرهنگی و با عوامل دیگری که دارای مقیاس و مکان هستند تعیین

می‌شود و این امور باعث می‌شوند که بدون رجوع به جامعه و فضا مفهوم قلمروخواهی غیرواقع‌گرایانه باشد. قلمروخواهی یک گزینه انسانی نبوده بلکه، یک ساخت اجتماعی است (میرحیدر، ۱۳۹۳: ۱۴). قلمروسازی راهبردی است که از طریق آن افراد و گروه‌ها به اعمال نظارت انحصاری بر بخش مشخص و محدودی از فضا می‌پردازند (میرحیدر، ۱۳۹۹: ۱۰). قلمروسازی در آغاز راهبردی برای ایجاد محدودیت و کنترل است اقدامی که در نتیجه آن فضای جغرافیایی ساخته می‌شود؛ فضایی که وابسته به زمین است و توسط انسان مدیریت می‌شود (Kolars, 2009 4&70). اقلیم کردستان با کنترل مناطق خارج از اقلیم بعد از خلاء امنیتی بوجود آمده و شکست داعش نظارت انحصاری را بر آن مناطق دارد.

الگوی فدرالیسم

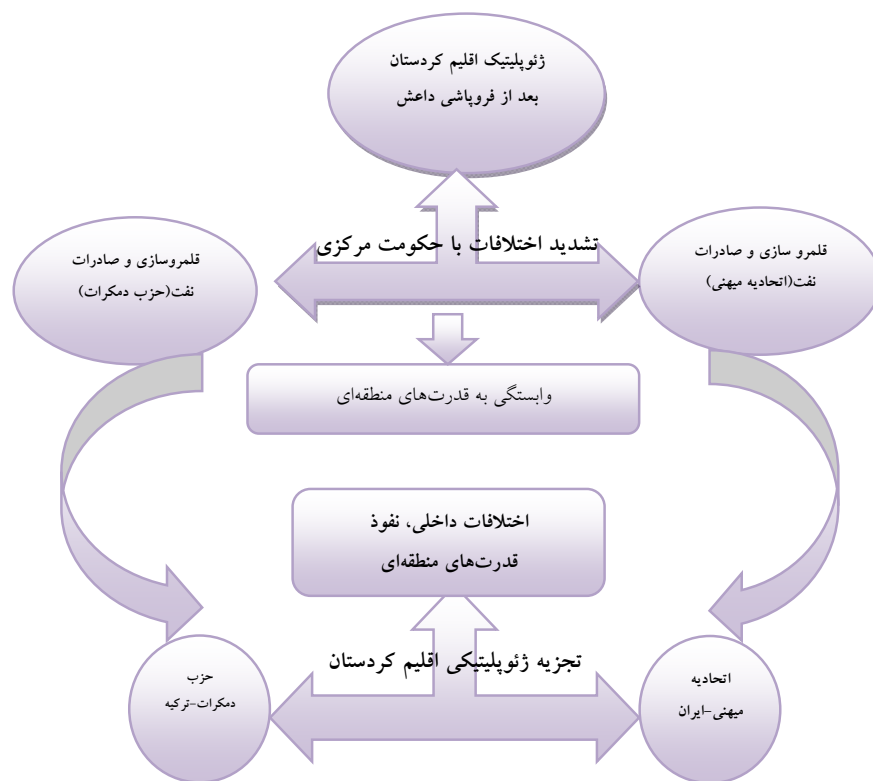
فدرالیسم یکی از روش‌های حکومتی است که براساس توزیع مقتدرانه قدرت در سرزمینی که تمایل به حفظ ارزش‌ها و گوناگونی‌های فرهنگی، قومی، زبانی و تاریخی دارد توجیه می‌شود. اگرچه سیستم‌های فدرال انواع و دلایل مختلفی دارند ولی انتخاب این سیستم معمولاً به‌عنوان آخرین راه‌حل همزیستی مسالمت‌آمیز ملت‌ها در قالب یک کشور واحد بوده است. معمولاً کشورها به یکی از دلایل تنوع قومی- فرهنگی و وسعت جغرافیایی و یا اتحاد چند کشور کوچکتر برای تشکیل کشوری بزرگتر و قدرتمندتر به سیستم فدرالیسم روی می‌آورند. در یک سیستم فدرال، قدرت سیاسی اگرچه پخش شده است، لیکن قدرت کاملاً هماهنگ است و این هماهنگی، انسجام درونی و قدرت واقعی بیشتری را به دولت داده و از تنش‌های درونی آن می‌کاهد (تاج‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۷-۸). به‌همین دلیل یک دولت فدرال، ضمن آن که پیوند درونی هماهنگ‌تری با مولفه‌های خود دارد، خود ایزاری است برای حفظ کثرت‌گرایی (pluralism) و حراست از حقوق فردی در برابر اقتدار دولت مرکزی، پس گروه‌های قومی - مذهبی از اختیارات و آزادی‌های بیشتری برخوردار می‌گردند. انتقال قدرت سیاسی تصمیم‌گیری به ایالت‌ها و مناطق، حق تصمیم‌گیری را در مواردی که بر زندگی آنان اثر می‌گذارد، از بوروکرات‌های مرکز نشین، بیشتر به‌خود شهروندان آن ایالت‌ها انتقال می‌دهد. فدرالیسم روش حکومتی است که براساس توزیع و اجرای قدرت سیاسی در سرزمین و کشوری که تمایل به حفظ گوناگونی‌های فرهنگی، مذهبی، تاریخی، اجتماعی و حقوقی خود دارد، پدید می‌آید. در واقع در این الگو به وسعت گوناگونی‌ها و تفاوت‌های جغرافیایی اصالت داده می‌شود. در الگوی فدرال، نظام حکومت دوسطحی است سطح فدرال (ملی) و سطح ایالت‌ها (منطقه‌ای)، و در هرکدام از دو سطح مزبور، نهادهای متناظر حکومتی و قوای مقننه، مجریه و قضائیه وجود دارد و ایالت‌ها نیز برای خود به‌وضع قوانین می‌پردازند. نهاد قانونگذاری و سیاستگذاری سطح ملی در سیستم فدرال دوگانه است که شامل مجلس نمایندگان که اعضای آن براساس نسبت جمعیتی برگزیده می‌شوند و مجلس سنا که اعضای آن به نسبت مساوی و بدون توجه به تفاوت‌های ایالت‌ها برگزیده می‌شوند. مرکز حکومت فدرال به‌صورت توافقی از سوی ایالت‌ها تعیین می‌شود. در این الگو، دیوان یا دادگاه قانون اساسی برای پاسداری از نظام فدرال و رسیدگی به اختلافات مابین ایالت‌ها و سطح فدرال وجود دارد (زارعی، ۱۳۹۲: ۲۱۲-۲۰۸). در الگوی فدرال اصل بر همزیستی بین ایالت‌ها است نه الزاماً وحدت آنها، روابط ایالت‌ها باهم تابع حقوق و قوانین داخلی و رابطه دولت فدرال با سایر دولت‌ها تابع قوانین و حقوق بین‌المللی است. دولت فدرال به نیابت از ایالت‌ها، امور مشترک مانند دفاع، روابط خارجی، پول، گمرک و حمل‌ونقل را برعهده دارد. در نظام فدرال، ذخیره قدرت در اختیار

ایالت‌ها قرار دارد (حافظنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۰). درعین حال دولت فدرال در تمرکز قدرت و ایالت‌ها در توزیع فضایی قدرت می‌کوشد (بدیعی، ۱۳۹۵: ۳۸). با توجه به تبیین مفهوم فدرالیسم و تطبیق آن با اقلیم کردستان به این نتیجه می‌رسیم که اختیارات اقلیم کردستان در چارچوب مبانی و مفاهیم فدرالیسم نمی‌گنجد و اقلیم کردستان رفتاری شبیه یک شبه دولت را از خود بروز داده است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کاربردی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای - اینترنتی به جمع‌آوری داده‌های مورد بحث پرداخته است. ابتدا به بررسی و تبیین ژئوپلیتیک اقلیم کردستان و اهمیت آن در منطقه پرداخته شده و سپس با استفاده از داده‌های بدست آمده تأثیرات فروپاشی داعش بر اقلیم کردستان مورد بررسی قرار گرفته است.

بحث و یافته‌ها



نمودار ۱: مدل وضعیت ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان بعد از فروپاشی داعش، منبع: نویسندگان

ویژگی‌های ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان

گردهای عراق هویت قومی، فرهنگی، زبانی و تاریخی جداگانه با اعراب دارند و در طول تاریخ عراق در ساختار سیاسی آن کشور مشارکت چندانی نداشته‌اند و همواره در تضاد و کشمکش با حکومت مرکزی بوده‌اند. پس از سقوط رژیم بعث، فرصت آن را یافتند که در قدرت سیاسی آن کشور یکی از شرکای اصلی باشند (علی‌نقی، ۱۳۸۳: ۱۶). گردها در عراق توانستند بیشترین منافع را در روند سیاسی جدید نصیب خود کنند، پست‌های کلیدی در عراق را از آن خود سازند و خواسته‌های خود را بر مبنای فدرالیسم و تقسیم قدرت، قانونی کنند. کردستان عراق از شرق با ایران و از شمال با کشور ترکیه و از غرب با سوریه هم‌مرز است و شامل استان‌های اربیل، سلیمانیه، دهوک و قسمت‌هایی از کرکوک و موصل است. میزان جمعیت گردها در عراق ۲۰ تا ۲۵ درصد جمعیت آن کشور تخمین زده می‌شود که با زبان کُردی تکلم می‌کنند. فرهنگ کردستان عراق شباهت زیادی به فرهنگ ایرانی دارد و تفکر بنیادگرایی اسلامی در بین گردهای عراق به شدت کم‌رنگ است و بیشتر بر روی قومیت، زبان و فرهنگ خود تمرکز دارند و هویت خود را بر مبنای قومیت تعریف می‌کنند (اکبری، ۱۳۸۸: ۹۵). عراق کشوری است که دارای ریشه تاریخی نیست و فاقد علت وجودی است که براساس راهبرد قدرت‌های بزرگ جهانی بعد از جنگ جهانی اول تشکیل شده و شکاف‌های قومی و فرهنگی گردها با بقیه مردم عراق موجب شده که حس ناسیونالیسم قومی و گرایش به واگرایی در گردهای عراق بالا باشد. بسیاری از مردم کرد در عراق نیز خود را به هیچ‌عنوان عراقی نمی‌دانند و حتی از نام عراق ابراز انزجار می‌کنند. در کردستان عراق نمادهای بسیار معدودی از کشور عراق قابل رویت است. اکثر مردم (به‌خصوص نسل جوان) به زبان عربی تکلم نمی‌کنند. به جز در مراکز دولتی معدودی چون ساختمان نخست‌وزیری و پارلمان کردستان و برخی از اداره‌های دولتی که پرچم عراق در کنار پرچم کردستان برافراشته شده، کمتر نشانی از پرچم عراق دیده می‌شود. پول رایج در این منطقه که دینار عراقی است از معدود نشانه‌های دولت مرکزی است. البته در معاملات بالاتر از چند صد دلار مردم ترجیح می‌دهند که از دلار آمریکا استفاده کنند.

منابع طبیعی اقلیم کردستان

منابع طبیعی همواره یکی از مهم‌ترین عناصر ژئوپلیتیکی جهت تولید ثروت برای یک منطقه محسوب می‌شود و مناطق غنی از منابع فسیلی یکی از مناطق حساس و استراتژیک و مورد توجه قدرت‌های جهانی است. منابع غنی نفتی کردستان با برآوردی حدود ۴۵ میلیارد بشکه نفت، در کنفرانس انرژی سال ۲۰۱۲، توجه شرکت‌های بزرگ نفتی را به خود جلب کرده است. بر اساس گزارش مرکز بین‌المللی تحقیقات صلح (IPSC)، ذخیره نفت خام اقلیم کردستان با ذخیره نفت خام در لیبی و گاز طبیعی اقلیم کردستان نیز با ذخیره گاز کشور قزاقستان برابری می‌کند. منابع نفتی این خطه به قدری غنی است که کارشناسان، نفت اقلیم کردستان را به اقیانوسی تشبیه کرده‌اند، به طوری که هم‌اکنون میدان نفتی شیخان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های نفتی کشف‌شده جهان در خشکی ظرف ۲۰ سال گذشته توصیف می‌شود. میزان ذخایر نفت خام موجود در میدان نفتی شیخان ۱۴ میلیارد بشکه ارزیابی شده است (نیک‌فر؛ ماهیدشتی، ۱۳۹۴: ۱۶۷). عظمتی که منابع رسمی عراق نیز بر آن صحه گذاشته‌اند، تا آنجا که وزارت نفت عراق تصریح کرده ذخیره نفت در عراق در حال حاضر، به ۱۵۰ میلیارد بشکه رسیده که این میزان ۱۱ درصد ذخیره نفت در کل جهان است

و ذخیره نفت اقلیم کردستان عراق نیز پنج درصد ذخیره کل جهان را شامل می‌شود. مجموع این موارد موجب شده صنعت نفت در اقلیم به سرعت در حال رشد باشد (<http://cabinet.gov.krd>, ۱۳۹۵). شرکت‌هایی مانند اکسون‌موبیل، شورون آمریکا، توتال فرانسه و گازپروم روس و شرکت‌هایی از ترکیه مسئول کشف و استخراج نفت در اقلیم کردستان هستند. رسیدن به تولید روزانه دو میلیون بشکه جزء اهداف اساسی اقلیم کردستان تا سال ۲۰۲۰ است (<http://mnr.krg.org>, ۱۳۹۵).

چالش‌های صادرات نفت (وابستگی ژئوپلیتیکی)

مسیرهای انتقال نفت از تولید به فروش یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به صادرات نفت محسوب می‌شود تا جایی که از آن به‌عنوان ژئوپلیتیک لوله‌های نفت تعبیر می‌شود و دسترسی به آب‌های آزاد جهت انتقال نفت به بازارهای جهانی اهمیت بالایی دارد. اقلیم کردستان جزء مناطقی محسوب می‌شود که در وابستگی ژئوپلیتیکی قرار دارد و به‌علت عدم دسترسی به دریاهای آزاد جهت فروش نفت خود همواره با مشکل روبه‌رو بوده است و از وابستگی جغرافیایی شدید به کشورهای همسایه رنج می‌برد و موقعیت بسته جغرافیای اقلیم کردستان بزرگترین چالش پایدار ژئوپلیتیک آن است و پیش‌نیاز هر گونه مبادله با جهان خارج جلب همکاری کشورهای پیرامونی به‌ویژه ایران و ترکیه به‌عنوان دو قدرت منطقه است (زبیاک‌لام، ۱۳۹۰: ۶۱). اقلیم کردستان گزینه‌های بسیار محدودی برای صادرات نفت دارد و تنها راه انتقال نفت اقلیم کردستان از طریق دو قدرت منطقه‌ای مذکور است (باقری، ۱۳۹۲: ۱۵۳). با توجه به نزدیکی حزب دمکرات کردستان عراق به کشور ترکیه و اقتدارگرایی این حزب در تصاحب قدرت، صادرات نفت و گاز اقلیم از طریق ترکیه بخش عمده‌ای از فاز اجرایی و عملیاتی خود را پشت سر گذاشته و این زمینه فراهم شده است، که با صادرات نفت و گاز اقلیم کردستان در سطح کلان به ترکیه و سپس از طریق ترکیه به اروپا، کردستان وارد نقشه انرژی جهان شود. از سوی دیگر، اخبار منابع رسمی حاکی از آن است که دولت اقلیم، قرارداد چند میلیارد دلاری احداث خط لوله انتقال نفت و گاز را با ترکیه منعقد کرده است که بر اساس آن، بخشی از نفت و گاز خود را به ترکیه و سپس از طریق ترکیه به بازارهای جهان صادر کند. در این صورت اقلیم می‌تواند روزانه دو میلیون بشکه نفت خام و ۱۰ میلیون مترمکعب گاز به ترکیه و بازارهای دیگر جهان انتقال دهد (عیسی، ۱۳۹۰: ۱۴۳) شود. انزوای ژئوپلیتیک جهت صادرات نفت موجب وابستگی شدید اقلیم کردستان با محوریت حزب دمکرات به ترکیه شده و کشور ترکیه بازارهای اقلیم کردستان را تصاحب کرده و سودهای کلانی را از فروش نفت اقلیم کردستان عاید خود کرده است. حکومت اقلیم کردستان با احداث زیرساخت‌های انتقال انرژی و اتصال یکجانبه خط لوله‌اش به خط لوله ترکیه - عراق که متعلق به دولت فدرال عراق است گام‌های بزرگی در جهت فروش انتقال منابع انرژی خود به‌صورت یکجانبه و بدون برگشت به حکومت مرکزی عراق برداشته است. این واقعیت‌های جدید میدانی موجب شده‌اند که دولت اقلیم کردستان دست به ریسک‌گریزی بیشتری بزند، یعنی سود کمتر با ریسک مشخص در معامله را به سود بیشتر با ریسک نامشخص ترجیح دهد و نفت را با دوزدن بغداد صادر کند. این اقدامات دولت اقلیم زمانی صورت گرفت که تلاش برای مذاکره با دولت فدرال عراق برای فروش نفت خام کردستان از طریق سازمان بازاریابی نفت عراق سومو و همچنین توافق نفت در برابر پول در دسامبر ۲۰۱۴ با شکست مواجه شدند. بغداد بر حاکمیت دولت فدرال بر منابع نفتی عراق، فروش، درآمد و

شفافیت دولت اقلیم در بخش انرژی که در بودجه ملی عراق نقش دارد اصرار می‌ورزد، در حالی که اربیل خواهان در کنترل داشتن صادرات نفت خام خود و درآمدهای آن که شفاف هم نیست، می‌باشد (خواجه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۹). دولت اقلیم به صادرات نفت از مجرای غیر بغداد ادامه می‌دهد که صادرات نفت این اقلیم حدود ۶۲۰ هزار بشکه در روز است و از طریق خط لوله نفتی عراق - ترکیه (ITP) که ۴۶۰ هزار بشکه آن متعلق به میدان‌های نفتی اقلیم کردستان و مابقی متعلق به میدان‌های نفتی کرکوک، که بعد از حمله داعش به عراق میدان‌های نفتی کرکوک را کنترل کردند، ارسال می‌شود (amnr.krg.org، ۱۳۹۵). با توجه وضعیت پیش آمده در اقلیم کردستان می‌توان گفت که این اقلیم در راستای استقلال اقتصادی کامل از حکومت عراق حرکت می‌کند و رفتارها و آینده این اقلیم همواره در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. در طول سالیان پس از سقوط رژیم بعث همواره شاهد رویارویی سیاسی، اقتصادی و حتی بعضی اوقات نظامی از سوی حکومت مرکزی عراق و حکومت اقلیم کردستان بوده‌ایم، به طوری که حکومت عراق از قانون شکنی و اختیارات فرافدرالیسم در اقلیم کردستان نگران است و اختیارات فراوان اقلیم کردستان همواره مورد انتقاد گروه‌های قومی- مذهبی عراق و حتی قدرت‌های منطقه‌ای بوده است و اقدامات این اقلیم را در راستای تجزیه عراق تفسیر می‌کنند که می‌تواند سازماندهی سیاسی فضای کشور عراق را با چالش بیشتر همراه کند. بسیاری از اعراب عراق بر این باورند که حضور کردها در حکومت مرکزی و پارلمان عراق نه برای کمک به ساخت کشوری بر مبنای حکومتی فدرال است، بلکه، برای آماده‌سازی فضا از بعد اقتصادی برای اعلام استقلال کردستان است. از این رو اختلافات عمیق سنی - شیعه و همچنین پدیده داعش بهترین فرصت برای کردها جهت دستیابی به استقلال تفسیر می‌شود.

نیروهای نظامی و امنیتی اقلیم کردستان

بیشتر نیروهای مسلح حکومت منطقه کردستان را پیشمرگ‌ها تشکیل می‌دهند که بخشی از پیشمرگ‌ها زیرحاکمیت حزب دمکرات و برخی نیز تحت حاکمیت اتحاد میهنی کردستان قرار دارند. پیشمرگ‌ها نیروهای مسلح کُردی هستند که از جانب کُردها به این نام نامیده شده‌اند. آمار نیروهای پیشمرگ که توسط متصدیان امر نظامی در کردستان عراق اعلام می‌شود بیش از ۱۵۰ هزار نفر و وظیفه تعیین شده برای آنها توسط حکومت مرکزی عراق کمک به تامین امنیت مرزها می‌باشد. در اقلیم کردستان عراق، نیروهای امنیتی - اطلاعاتی (آسایش، پیشمرگه و پاراستن) به شکل کامل در کنترل احزاب کرده است. نیروهای ارتش و پلیس عراق حتی مرزهای اقلیم کردستان با کشورهای همسایه را کنترل نمی‌کنند. مرزهای زمینی و هوایی و گمرکات اقلیم کردستان عراق از کنترل دولت مرکزی خارج است و توسط دولت اقلیم کردستان کنترل می‌شود. وزارت پیشمرگه، مسئولیت حمایت و پشتیبانی نیروهای مسلح اقلیم کردستان را برعهده دارد. علاوه بر نیروهای پیشمرگه، نیروهای پلیس تحت نظر وزارت داخله، به امور انتظامی مشغول می‌باشند و نیروهای امنیتی (آسایش) نیز تحت فرمان وزارت پیشمرگه و شورای عالی امنیت به ریاست مسرور بارزانی مشغول فعالیت هستند (www.rudaw.net، ۱۳۹۵). نیروهای مسلح و امنیتی و پلیس هنوز در مناطق تحت کنترل دو حزب عمده به طور جداگانه عمل می‌کنند. در رابطه با آموزش و لجستیک نیروهای مسلح اقلیم کردستان با نیروهای امریکائی توافقاتی صورت گرفته است. این نیروها توسط کشورهای مختلف از جمله انگلیس و امریکا آموزش داده می‌شوند. برخی شرکت‌های خصوصی نیز امنیت داخلی و اشخاص و شخصیت‌ها را به عهده دارند (www.rudaw.com). با توجه به

تلاش‌های فراوانی که جهت یکدست‌کردن نیروی پیشمرگ و قراردادن پیشمرگ‌ها زیر لوای وزارت پیشمرگ در سال‌های اخیر صورت گرفته، اما با توجه به اختلافات شدید حزبی بین دو حزب اصلی اقلیم کردستان هنوز همچنین هدفی محقق نشده و پیشمرگ‌های اقلیم کردستان از دو نهاد قدرت جداگانه حزبی فرمان می‌گیرند و قدرت نظامی اقلیم کردستان زیر سلطه احزاب قرار دارند و حکومت اقلیم دخل و تصرفی در آن‌ها ندارد.

احزاب اقلیم کردستان

منطقه اقلیم کردستان عراق از دیرباز محل تاسیس و فعالیت احزاب سیاسی فراوانی بوده است. مهمترین این احزاب که از سابقه طولانی برخوردار بوده و هم‌اینک نیز حاکمیت را در اختیار دارند حزب دمکرات کردستان عراق (پارتی) و اتحاد میهنی کردستان (ی‌ک‌ت‌ی) است. حزب دمکرات در حال حاضر، ریاست اقلیم کردستان (مسعود بارزانی) و حاکمیت اصلی را در اختیار خود دارد (باقری، ۱۳۹۲: ۱۵۵). حزب اتحادیه میهنی منطقه جنوب و جنوب‌شرقی اقلیم کردستان را تحت‌کنترل خود دارد.



نقشه ۱: مناطق تحت نفوذ احزاب اصلی و تاریخی اقلیم مردستان عراق

منبع: تهیه شده توسط نویسندگان، ۱۳۹۶

جریان گوران به رهبری نوشیروان مصطفی که سال ۲۰۰۹ از اتحادیه میهنی جدا شده به‌عنوان مهمترین جریان مخالف مطرح و در میان مردم کردستان نفوذ و محبوبیت یافته‌است، اما مانند احزاب سنتی دارای نیروی نظامی و حاکمیت نمی‌باشد و سهم ناچیزی در ساختار قدرت دارد. جریان‌ات اسلامی مانند اتحاد اسلامی و جماعت اسلامی نیز از احزاب مهم این منطقه هستند. به‌علاوه احزاب کوچکتر حرکت اسلامی، احزاب ترکمانی، زحمتکشان و حزب سوسیالیست و شیوعی نیز وجود دارند که بعضاً به احزاب عمده وابسته می‌باشند. احزاب سنتی کردستان عراق یعنی حزب دمکرات و اتحادیه میهنی در طول چندین دهه اخیر زیر نفوذ و استیلای دو قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه قرار داشته‌اند به‌طوری که از لحاظ ساختاری و کارکردی اتحادیه میهنی به کشور ایران و حزب دمکرات به کشور ترکیه متمایل بوده‌اند که این وابستگی شامل تمامی ابعاد اقتصادی، امنیتی و حتی سیاسی هم بوده است. حزب دمکرات به

رهبری بارزانی به‌طور سنتی در شمال اقلیم کردستان و اتحادیه میهنی در جنوب اقلیم کردستان نفوذ و حاکمیت داشته‌اند و مردمان آن مناطق نیز با توجه به مؤلفه‌های ساختاری و کارکردی مشترک با گُردهای ایران و ترکیه و همچنین مرز مشترک با کشورهای مذکور، به ترتیب فوق‌ذکر متمایل به ترکیه یا ایران می‌باشند.

تأثیرات داعش بر اقلیم کردستان عراق

قلمروسازی در مناطق خارج از اقلیم کردستان

اقلیم کردستان در ساختار جدید عراق همواره در راستای قلمروسازی در مناطق کردنشین خارج از قلمرو خود اقدام کرده و خواستار پیوستن آن مناطق به اقلیم کردستان بوده است. مناطق مورد مناقشه حکومت مرکزی و اقلیم کردستان استان نفت‌خیز کرکوک، و همچنین قسمت‌هایی از استان صلاح‌الدین، موصل و دیاله است که با توجه به ثروت‌های زیرزمینی و منابع سرشار نفت موجود در استان کرکوک، همواره کرکوک اهمیت بیشتری برای اقلیم کردستان داشته است. استان کرکوک را می‌توان یک عراق کوچک نامید. شهر و استانی که در دل خود گروه‌های مختلف جمعیتی اعم از کُرد، عرب سنی و شیعه، ترکمن و . . . را جای داده است. استانی که با توجه به ذخایر قابل توجه نفتی از دیرباز تاکنون یکی از مهمترین ارکان درآمدی عراق به‌شمار می‌آید. همچنین با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی در عمق خاک عراق، اهمیتی بسیار مهم از نظر جغرافیایی و امنیتی دارد. طی سال‌های اخیر، مساله کرکوک برای کردها به‌مثابه یک رویای شیرین و نزدیک اما، همچنان دست‌نیافتنی بوده است. به این معنی که از بدو تحولات ۲۰۰۳ و سقوط رژیم بعثی بدین‌سو آنان تلاش کردند تا این استان نفت‌خیز و بااهمیت استراتژیک را به منطقه خودمختار خود در شمال عراق بیفزایند. پس از یک اقدام اولیه و ناموفق برای الحاق کرکوک به کردستان از طریق عملیات آزادسازی آن در زمان حمله آمریکا به عراق، سعی کردند از راه قانونی و بدون درگیری محتمل نظامی زمینه‌ساز الحاق کرکوک به شمال کشور شوند؛ لذا احزاب کُردی در حین نگارش قانون اساسی اولیه عراق ماده ۵۸ را جهت تعیین سرنوشت این استان و دیگر مناطق مورد ادعا وارد آن کردند، ماده قانونی که پس از اصلاحات سال ۲۰۰۵ به ماده ۱۴۰ قانون اساسی تغییر نام داد (نیک‌فر؛ ماهیدشتی، ۱۳۹۴: ۱۷۲). کوشش کردها و ارائه اسناد، شواهد و استدلال‌های مختلف مبنی بر هویت کُردی این شهر، نتوانست کُردها را به کرکوک برساند و هر بار کشور و یا بازیگری مانع از دستیابی کُردها به کرکوک شده است. ابتدا آمریکایی‌ها به روشنی مانع از الحاق کرکوک به منطقه اقلیم شدند. تهدیدهای پیاپی ترکیه نیز (در حدها سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷) مبنی بر هویت ترکمانی کرکوک و احتمال لشکرکشی به این منطقه باعث سخت‌تر شدن موضع آمریکایی‌ها در قبال خواست کردها شد. تا پایان سال ۲۰۱۱ که آمریکایی‌ها هنوز در عراق دارای نیروی نظامی و سیاسی توأمان بودند و به‌طور طبیعی کلیدی‌ترین بازیگر عرصه سیاسی این کشور محسوب می‌شدند، هیچ اقدام خاصی برای نزدیک شدن کُردها به ضمیمه کردن کرکوک به اقلیم کردستان انجام ندادند و دولت عراق نیز این استان را جزء مناطق کردنشین به‌شمار نمی‌آورد (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۵). در نتیجه، طی همه این سال‌ها عدم تعیین سرنوشت مناطق مورد مناقشه با محوریت کرکوک همواره یکی از مهمترین مشکلات و موانع موجود در گسترش و بهبود روابط اربیل - بغداد بوده است. همان‌طور که در جدول و نقشه شماره دو مشاهده می‌شود، اقلیم کردستان خواستار پیوستن تمامی استان کرکوک، تمام مناطق و شهرستان‌های نینوا بجز موصل و بعاج و خازر، خانقین

و مندلی و کفری در استان دیاله می‌باشد که در این صورت مساحت اقلیم کردستان ۷۸،۷۳۶ کیلومتر مربع خواهد شد (www.presidency.krd, 1395).



نقشه ۲: مناطق نفت‌خیز مورد اختلاف حکومت اقلیم کردستان و حکومت مرکزی عراق

منبع: www.theguardian.com, 2012

گُردها بعد از سقوط رژیم بعث توانسته‌اند در مناطق مورد ادعای خود اعراب را بیرون کنند و گُردها را در آن مناطق به‌خصوص استان کرکوک ساکن کنند (همان: ۱۳۹۵). بعد از حمله داعش به عراق و شکست ارتش عراق در رویارویی با شبه نظامیان داعش فرصت استثنایی عاید گُردها شد و توانستند خلاء امنیت را در آن مناطق در راستای اهداف خود به‌کار گیرند و شروع به قلمروسازی در آن مناطق نمایند. نیروهای پیشمرگ در مناطق مورد مناقشه، خلاء امنیتی موجود را پر کرده و مناطق مورد مناقشه را تحت تصرف خود درآورده‌اند که در آینده و با بهبود وضعیت امنیتی در عراق قلمروخواهی اقلیم کردستان یکی از پتانسیل‌ها برای شروع یک چالش دیگر برای عراق خواهد بود و قدرت‌های منطقه‌ای و دولتمردان عراقی الحاق کرکوک به اقلیم کردستان را راه رسیدن به استقلال گُردها و تهدیدی برای منطقه و عراق تفسیر می‌کنند (پورسعید، ۱۳۸۹: ۱۹۶). گُردها، بلافاصله نیروهای نظامی خود را به شهر نفت‌خیز کرکوک روانه کرده‌اند و اعلام کردند که دیگر از این شهر خارج نخواهند شد. شهری که در یک دهه گذشته محل مناقشه اربیل و بغداد بوده است. مسعود بارزانی رسماً اعلام کرده که: ماده ۱۴۰ قانون اساسی دیگر محلی از اعراب ندارد و او تلویحاً گفت که این ماده اکنون به اجرا درآمده است (نیک‌فر؛ ماهیدشتی ۱۳۹۴: ۱۷۹).

جدول ۱: مناطق و نواحی مورد مناقشه حکومت اقلیم کردستان با حکومت مرکزی

منطقه	مناطق مورد مناقشه اقلیم کردستان عراق با حکومت مرکزی
کرکوک	استان کرکوک با همه شهرها و نواحی اش به انضمام شهرهای داقوق، دوزخورمانو، چمچمال، کلار، کفری، دوزخورماتو تازه.
نینوا	شهر سنجار و نواحی آن، شهر شیخان و نواحی آن، شهر حمدانیه و نواحی آن، شهر تلکیف و نواحی آن، شهر مخمور و نواحی آن، ناحیه زمار، شهر عقره و نواحی آن، ناحیه بعشیکه
دیاله	شهر خانقین و نواحی آن، جولولا، سعديه، شهر المقدادیه و نواحی آن، ناحیه مندلی، شهر بدره و ناحیه حصان، ناحیه میدان، ناحیه قوره تو، کفری

(منبع: www.krg- kagb.org، ۱۳۹۵)

تقویت قدرت و اختیارات اقلیم کردستان با محوریت حزب دمکرات

منطقه فدرال کردستان عراق که استان‌های دهوک، اربیل، سلیمانیه، و بخش‌هایی از استان‌های صلاح‌الدین، موصل و کرکوک را دربرمی‌گیرد و از یک وضعیت خودگردانی در چارچوب مرزهای کشور عراق برخوردار بوده است و حکومت منطقه‌ای کردستان که منتخب پارلمان محلی این منطقه می‌باشد، در طی این مدت به اداره آن پرداخته است، شیوه و چگونگی خودگردانی کردستان عراق در چارچوب «حکومت منطقه‌ای کردستان» با الگوهای کلاسیک خودمختاری و «فدرالیسم» شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد در رابطه با تشابهات آن می‌توان گفت: حکومت منطقه‌ای کردستان در مواردی نظیر دارا بودن مرکزیت سیاسی، پارلمان و قوه مجریه‌ی محلی، بودجه محلی و داشتن نمایندگانی در پایتخت فدرال سایر حکومت‌های غیرمتمرکز شباهت دارد، اما در ارتباط با تفاوت شیوه‌ی خودگردانی حکومت منطقه‌ای کردستان در مواردی نظیر برقراری ارتباط خارجی با سایر بازیگران نظام بین‌الملل، در اختیار داشتن نیروهای نظامی موسوم به «پیشمرگه» یا حافظان اقلیم که در حکم «ارتش» هستند و راهبرد تشکیل ارتش ۲۰۰،۰۰۰ نفری را دارند (امیری‌مقدم: ۱۳۸۹) و هم‌چنین صلاحیت‌ها و اختیارات پارلمان کردستان در زمینه وتوی قوانین پارلمان و حکومت فدرال با سایر الگوهای غیرمتمرکز تفاوت دارد با عنایت به تفاوت‌های مدل حکومتی کردستان عراق با الگوها و مدل‌های خودمختاری و فدرال، می‌توان برای این اقلیم وجود مستقلی در چارچوب الگوهای مدیریتی فضا قائل بود. نتیجه این که الگوی حکومتی در کردستان عراق و حکومت منطقه‌ای آن با وجود داشتن اشتراکات فراوان با الگوهای خودمختار و فدرالیسم، در زمره‌ی هیچ‌کدام از آنها قرار نمی‌گیرد، زیرا اختیارات و صلاحیت‌هایی که در چارچوب قانون اساسی عراق به حکومت منطقه‌ای کردستان اعطا شده است، باعث شده که مدل کردستان عراق در مرحله‌ی بالاتری از خودمختاری و فدرالیسم قرار بگیرد، بر همین اساس می‌توان نام این الگوی حکومتی را مدل «فراایالتی» نامید (قربانی‌نژاد، ۲۰۱۵: ۱۳۸۷). اقلیم کردستان عراق شیوه‌ای از حکمرانی را طی این چند سال پیاده کرده است که شاید در جهان سیستمی مشابه آن موجود نباشد. اقلیم کردستان به واسطه ذخایر عظیم نفتی و قرارگرفتن بر سر راه خط لوله صادراتی نفت عراق به ترکیه دارای موقعیتی استراتژیک می‌باشد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۶). بعد از حمله داعش به عراق و سوریه و شکست سپاه عراق در موصل گُردها توانستند بیشترین بهره‌برداری را از فضای بوجود آمده ببرند و در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، امنیتی و قلمروسازی در مناطق مورد مناقشه با حکومت مرکزی

قدرت و اختیارات خود را گسترش دهند، به طوری که این اقلیم اکثریت قوانین حکومت مرکزی را نقض می‌کند و دارای سیاست خارجی غیرهمسو با حکومت مرکزی می‌باشد، و حتی در امور نظامی هم کاملاً مستقل عمل می‌کند. جنگ داعش موجب شد که اقلیم کردستان به صورت مستقیم با قدرت‌های جهانی وارد معامله اسلحه و همکاری‌های نظامی شود و از بُعد نظامی زیرساخت‌های خود را تقویت کند. همچنین با شکست نیروهای عراقی از داعش در مناطق سنی‌نشین و همچنین مناطق مورد مناقشه کردها با حکومت مرکزی عراق این فرصت پیش آمد که کردها بعد از پر کردن خلاء امنیتی و حاکمیت بر آن مناطق به فروش نفت آن مناطق مبادرت بورزند و تولید نفت خود را بالا ببرند که موجب تقویت اقتصادی اقلیم کردستان با محوریت حزب دموکرات شده است.

بحران‌های داخلی و تأثیرات آن بر سیاست خارجی اقلیم کردستان

دوره ریاست مسعود بارزانی که نمایندگان پارلمان قبلاً آن را دو سال تمدید کرده بودند، در آگوست ۲۰۱۵ به پایان رسید و پارت دموکرات کردستان به علت مخالفت حزب تغییر، با تمدید و ادامه ریاست مسعود بارزانی، وزرا و رئیس پارلمان محلی را که از حزب تغییر بودند اخراج کرد و حکومت اقلیم کردستان وارد شکاف‌های جدی و بحران داخلی شد. در همان حال که نیروهای کُرد در شهر موصل در نزدیکی کردستان با داعش می‌جنگیدند، حکومت کردستان بدون وزیران کلیدی مانند دارایی و دفاع به کار خود ادامه می‌دهد. یوسف محمدصدیق رئیس پارلمان در گفت‌وگو با کانال knn گفت: «ما رئیس قانونی نداریم، ما پارلمان فعال نداریم و ما دولتی که در حال کار باشد، نداریم. اگر این بحران سیاسی ادامه پیدا کند، کل نظام از هم فرومی‌پاشد. منطقه کردستان سرشار از خشم است اما فعلاً به این دلیل آرام است که مردم احساس مسئولیت می‌کنند و منتظر هستند، اما پس از نابودی داعش آنها دیگر صبر نمی‌کنند (www.knnc.net, 1394)». جامعه جهانی نیز با سعه صدر با بن‌بست سیاسی کردستان برخورد کرده است به این دلیل که فعلاً اولویت آن بیرون کردن داعش از موصل است. نیروهای کُرد نقش بسیار مهمی در جنگ با داعش داشتند و دولت‌های غربی در چنین مقطع حساسی علاقه‌ای به انتقاد از مقامات کرد (که به حمایت‌شان نیاز دارند) نداشته‌اند. ریشه‌های بحران سیاسی کنونی کردستان در اختلافات تاریخی بین حزب دموکرات کردستان و حزب رقیب آن یعنی اتحادیه میهنی کردستان نهفته است. حزب دموکرات کردستان بر اربیل پایتخت اقلیم و بخش شمال غربی کردستان و اتحادیه میهنی کردستان بر استان شرقی سلیمانیه و مناطق نزدیک آن فرمان می‌راند. دو حزب در دهه ۱۹۹۰ درگیر جنگ داخلی شدند و هنوز هم نیروهای نظامی مجزای خود را دارند که معروف به پیشمرگه هستند. در انتخابات سال ۲۰۱۳ جنبش نوینی معروف به حزب تغییر بخش قابل توجهی از آرای اتحادیه میهنی کردستان را از آن خود کرد و دومین نیروی عمده پارلمان پس از حزب دموکرات کردستان شد. حزب تغییر برای شفافیت بیشتر در مورد چگونگی تقسیم درآمدهای نفتی کردستان تمام تلاشش را کرد و کارزاری علیه فساد به راه انداخت. آقای یوسف محمدصدیق عضو حزب تغییر، رئیس پارلمان شد و برخی اعضای حزب تغییر به عنوان بخشی از پیمان تقسیم قدرت در میان تمام احزاب اصلی در رأس وزارتخانه‌های مهمی مانند: دارایی و امور پیشمرگه قرار گرفتند. اما این پیمان دو سال بعد فروریخت. هیأت انتخابات کردستان در گرماگرم جنگ با داعش نتوانست انتخابات ریاست اقلیم را به موقع برگزار کند و حزب تغییر و دیگر احزاب رقیب حزب دموکرات کردستان تمام تلاش‌شان را کردند که رئیس جدید را از

طریق به‌رأی گذاشتن در پارلمان انتخاب کنند، اما به‌دلیل درگیری با داعش و یکه‌تازی‌های پارت دمکرات کردستان، نتوانستند موفق شوند و هنوز هم مسعود بارزانی خود را رییس اقلیم می‌خواند در حالی که در سایر مناطقی که زیر نفوذ اتحادیه میهنی و حزب تغییر قرار دارند ریاست مسعود بارزانی را نوعی دیکتاتوری و بی‌قانونی تفسیر می‌کنند. یکی دیگر از مشکلات اقلیم کردستان که احزاب سیاسی را به‌سمت واگرایی از هم سوق داده است، عدم شفافیت در سیاست خارجی و صادرات نفت است. تمامی احزاب اقلیم کردستان غیر از حزب دمکرات کردستان به رهبری بارزانی ناآگاهی خود را از درآمدهای حاصل از فروش نفت اعلام کرده‌اند و نسبت به قراردادهای اقلیم کردستان با ترکیه در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی به‌شدت معترض هستند (1396، www.knnc.net). به‌طوری که این اختلافات موجب شده که حزب دمکرات بیشتر به سمت ترکیه متمایل شود و سایر احزاب با محوریت اتحادیه میهنی به سمت ایران متمایل شوند.

اتحادیه میهنی - ایران

اتحادیه میهنی کردستان حزبی است که در سال ۱۹۷۵ توسط جلال طالبانی تشکیل شده است. این حزب یکی از احزاب کلیدی در مبارزه با رژیم بعث بوده و در سال‌های مبارزه با رژیم بعث با احزاب شیعی عراق ارتباطی تنگاتنگ داشته است و با توجه به نفوذی که داشته، بعد از ساقط شدن رژیم بعث در عراق، اتحادیه میهنی، همیشه یکی از احزاب دارای وزن سیاسی در عراق و منطقه بوده است، به‌طوری که پست ریاست جمهوری در عراق همیشه از اعضای این حزب بوده است. اتحادیه میهنی کردستان، بر مناطق سلیمانیه و قسمت‌هایی از کرکوک و خانقین نفوذ دارد. این مناطق از نظر فرهنگی و زبانی به‌گروه‌های ایران شباهت بیشتری دارند و همین فصل مشترک ساختاری با ایران و ارتباط نزدیک با احزاب شیعی در عراق موجب شده که این حزب از لحاظ سیاسی و اقتصادی و امنیتی بیشترین گرایش را به‌سمت ایران و سیاست‌های ایران در منطقه داشته باشد. کمک‌های متقابل ایران و حزب اتحادیه میهنی کردستان در طول هشت‌سال دفاع مقدس گویای این اصل است (1393، www.gkurdistan.com). با توجه به اینکه مرزهای ایران با اقلیم کردستان بیشتر در مناطق تحت‌نفوذ اتحادیه میهنی قرار دارد، بیشترین بازارچه‌های مرزی و دادوستدهای اقتصادی در مرزهای مشترک ایران و عراق در این قسمت از مرز انجام می‌گیرد و بیشترین فروش کالاهای ایرانی نیز در مناطق تحت‌نفوذ اتحادیه میهنی قرار دارد. مؤلفه‌های ساختاری و کارکردی مشترک بین ایران و مناطق تحت‌نفوذ اتحادیه میهنی موجب شده که ارتباطات تاریخی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین ایران و اتحادیه میهنی به ارتباطی ناگسستنی تبدیل شود و کشور ایران همیشه به این حزب به‌عنوان یک شریک استراتژیک نگاه کند و اتحادیه میهنی نیز همیشه ایران را به‌عنوان قدرتی بزرگ در منطقه پشتیبان خود بداند (زیباکلام؛ عبدالله‌پور، ۱۳۹۰: ۶۸).

حزب دمکرات - ترکیه

حزب دمکرات کردستان عراق بر مناطق شمالی کردستان عراق نفوذ و حاکمیت دارد، این مناطق از لحاظ فرهنگی و زبانی بیشترین تشابهات را با گروه‌های ترکیه دارند و گروه‌های ترکیه و گروه‌های مناطق تحت‌نفوذ حزب دمکرات با لهجه کرمانجی تکلم می‌کنند. مرز مشترک عراق با ترکیه را مناطق تحت‌نفوذ حزب دمکرات تشکیل می‌دهد و یکی از

مؤلفه‌های تاثیرگذار بر تمایل ارتباط حزب دمکرات با ترکیه و وابستگی ژئوپلیتیکی و محدودیت‌های جغرافیایی است که اقلیم کردستان از آن رنج می‌برد و این اقلیم جهت صادرات نفت خام و ارتباط با جهان خارج به شدت به ترکیه احتیاج دارد و این کشور نیز بیشترین سود را از لحاظ اقتصادی و امنیتی از این وضعیت می‌برد به طوری که هم نیازهای انرژی خود را تامین می‌کند و هم این وضعیت را جهت فشار به حزب دمکرات جهت همکاری با ترکیه در مبارزه با پیکارجویان حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) به کار می‌برد (زیباکلام؛ عبدالله‌پور، ۶۳: ۱۳۹۰). کشور ترکیه وضعیت جدید در عراق و حکومت شیعی در این کشور را همواره به سود ایران به عنوان رقیب منطقه‌ای تفسیر کرده و نفوذ ترکیه در مناطق تحت حاکمیت حزب دمکرات و فشارهای این کشور جهت تضعیف حکومت مرکزی در عراق باعث شده حزب دمکرات کردستان عراق را به سمت تقابل بیشتر با حکومت مرکزی سوق دهد. مؤلفه‌های ساختاری و کارکردی موجب شده که حزب دمکرات کردستان عراق و ترکیه بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان همکاری و ارتباطات خود را به سطحی بالاتر برسانند. اقلیم کردستان با محوریت حزب دمکرات قراردادهای بزرگ نفتی را با کشور ترکیه بسته است که موجب نارضایتی مستقیم سایر احزاب در اقلیم کردستان شده است. امروزه لوله نفت کردستان به بندر جیهان متصل شده و تمامی فروش نفت اقلیم کردستان از طریق ترکیه صورت می‌گیرد. بازار مناطق تحت نفوذ حزب دمکرات را کالاهای ترکی اشغال کرده است به نحوی که این مناطق از اقلیم کردستان به حیاط خلوت ترکیه تبدیل شده است. از لحاظ امنیتی حزب دمکرات کردستان عراق هماهنگی‌های کامل با نیروهای ترکیه جهت مقابله با شورشیان کرد ترکیه دارد و به طور مکرر مناطقی از قندیل توسط ترکیه بمباران می‌شود، اما هیچ‌وقت اعتراضی از طرف حزب دمکرات کردستان عراق نسبت به رفتار ترکیه نشده است (همان، ۶۸-۶۳). نزدیکی بیش از حد حزب دمکرات کردستان به ترکیه چندین بار این حزب را به درگیری مستقیم با پ.ک.ک نزدیک کرده است. بعد از حمله داعش به عراق حزب دمکرات به ترکیه اجازه داد که نیروهای نظامی خود را وارد خاک اقلیم کردستان کند که موجب نارضایتی حکومت عراق و احزاب سیاسی اقلیم کردستان شده است.

نتیجه‌گیری

پدیده داعش موجب شد که اقلیم کردستان با محوریت حزب دمکرات و اتحادیه میهنی بیشترین استفاده را از خلاء امنیتی بوجود آمده، ببرند و با پرکردن این خلاء و استقرار نیروهای پیشمرگ در مناطق مورد مناقشه با حکومت مرکزی، استان نفت‌خیز کرکوک را تحت حاکمیت خود درآورند و با افزایش فروش نفت کرکوک به صادرات نفتی خود از وزن ژئوپلیتیکی بالاتری برخوردار شوند.

اقلیم کردستان بین دو حزب سستی دمکرات و اتحادیه میهنی اداره می‌شود که این احزاب سابقه بلندی از اختلاف و حتی جنگ داخلی بر سر تقسیم قدرت داشته‌اند و با افزایش قدرت اقلیم کردستان در زمینه‌های اقتصادی و نظامی بعد از فروپاشی داعش این اختلافات وارد فاز جدی‌تری شده است. این دو حزب بعد از حدود سه دهه حکم‌رانی بر اقلیم کردستان، هنوز هم دارای نهادهای حاکمیتی جداگانه هستند و نتوانسته‌اند قدرت نظامی و اقتصادی اقلیم کردستان را به سوی همگرایی ببرند، به طوری که حتی چاههای نفتی را به صورت جداگانه اداره می‌کنند و دارای نهادهای نظامی حزبی هستند. حزب دمکرات بر شمال اقلیم کردستان حاکمیت و نفوذ دارد و نیز با کشور ترکیه مرز مشترک و

تبادلات بازرگانی دارد. همچنین جنوب اقلیم کردستان در اختیار اتحادیه میهنی است و قلمرو تحت حاکمیت حزب اتحادیه میهنی با کشور ایران مرز مشترک دارد و دارای ارتباطات ساختاری و کارکردی مختلفی با کشور ایران است. دو قدرت منطقه‌ای ایران و ترکیه به‌عنوان رقبای استراتژیک، اقلیم کردستان را جزء قلمرو ژئوپلیتیک خود حساب می‌کنند و با توجه به نفوذ ساختاری، تاریخی و اقتصادی که در دو قلمرو حاکمیتی موجود در اقلیم کردستان دارند امکان تجزیه ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان عراق بین دو قلمرو تحت نفوذ ایران و ترکیه محتمل به‌نظر می‌رسد.

کتابشناسی

۱. احمدی‌پور زهرا؛ میرشکاران، زهرا؛ هورکارد، برنار (۱۳۹۳)، «سازماندهی سیاسی فضا در ساختار بسیط»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره سوم، ص ۴۵-۳۳؛
۲. احمدی‌پور، زهرا و قنبری، قاسم و کرمی، قاسم (۱۳۹۱)، «سازماندهی سیاسی فضا»، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح؛
۳. اسد، علی‌اکبر (۱۳۹۳)، «خیزش داعش و بحران امنیتی در عراق و رویکرد ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛
۴. امیری، مقدم‌رضا (۱۳۸۹)، «کردها و عراق نوین»، همایش عراق نوین و جمهوری اسلامی ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، دانشگاه جامع امام حسین، دانشکده پیامبر(ص)؛
۵. بنی‌هاشم، میرقاسم (۱۳۸۱)، «فرایند ملت‌سازی در خاورمیانه» کتاب خاورمیانه (۱) مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛
۶. پور سعید فرزاد (۱۳۸۹)، «برآورد استراتژیک عراق آینده»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، شماره مسلسل ۴۷؛
۷. تاج‌آبادی، حسین و مهدی دهنوی (۱۳۹۳)، «فدرالیسم عراق و امنیت ملی ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره هجدهم، ص ۱۸۸-۱۵۳؛
۸. ثقفی‌عامری، ناصر (۱۳۸۵)، «عراق جدید تغییرات ژئوپلیتیک»، فصلنامه راهبردی شماره ۳۹؛
۹. حاجی میرخان زرار (۱۳۹۰)، «اقلیم کردستان عراق»، فصلنامه فرهنگی اجتماعی گفتگو، شماره ۵۸؛
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا و احمدی‌پور زهرا و قادری حاجت مصطفی (۱۳۹۱)، «سیاست و فضا»، انتشارات پاپلی؛
۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲)، «افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی»، انتشارات سمت؛
۱۲. حافظ‌نیا، وکایانی راد (۱۳۹۳)، «فلسفه جغرافیای سیاسی»، پژوهشکده مطالعات کاربردی؛
۱۳. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، «اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک»، انتشارات پاپلی؛
۱۴. خواججه‌ای، علی (۱۳۹۲)، «بررسی وضعیت نفت و گاز در منطقه کردستان عراق» ماهنامه اقتصاد انرژی، شماره ۱۵۵؛
۱۵. زارعی، بهادر (۱۳۹۲)، «بنیادهای نظری جغرافیای سیاسی با تاکید بر اسلام و ایران»، انتشارات دانشگاه تهران؛
۱۶. سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۹)، «عراق؛ ساختارها و فرایند گرایش‌های سیاسی»، مرکز اسناد انقلاب اسلامی جلد اول؛
۱۷. شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۴)، «حقوق تطبیقی»، چاپ اول، انتشارات سمت؛
۱۸. ضیغمی، محمدعلی (۱۳۸۷)، «راهنمای تجارت با کشور عراق»، شرکت چاپ و نشر بازرگانی؛
۱۹. عیسی‌اکری؛ نجار شیرزاد (۱۳۹۰)، «ویژگی‌های اقلیم کردستان عراق»، فصلنامه فرهنگی اجتماعی گفتگو، شماره ۵۸؛
۲۰. غلامی، طهمورث (۱۳۹۰)، «رابطه پیچیده هویت دولت و امنیت در عراق»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح؛
۲۱. قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۹)، «بازیرگان مؤثر بر آینده عراق: منافع و سناریوها»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۷، ص ۵۸-۳۷؛
۲۲. زیباکلام، صادق؛ عبدالله‌پور، محمدرضا (۱۳۹۰)، «ژئوپلیتیک‌شکننده اقلیم کردستان عراق عامل همگرایی کردهای عراق به اسرائیل»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴؛

۲۳. قربانی‌نژاد، ریواز (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی الگوی خودگردانی کردستان عراق با الگوهای خودمختاری و فدرالیسم». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر محمدرضا حافظ‌نیا، تهران: دانشگاه تربیت مدرس؛
۲۴. قوام، عبدالعلی و زرگر، افشین (۱۳۸۷)، «دولت‌سازی ملت‌سازی و نظریه‌های روابط بین‌الملل»، آثار نفیس؛
۲۵. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۲)، «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی»، تهران انتشارات سمت؛
۲۶. محمدی، حمیدرضا؛ خالدی، حسین (۱۳۹۱)، «ژئوپلیتیک کردستان عراق»، نشر انتخاب؛
۲۷. مک‌داول (۱۳۸۳)، «تاریخ معاصر کرد»، ترجمه: ابراهیم یونس، نشر پائیند؛
۲۸. میرحیدر، دره و عمران راستی و سادات میراحمدی (۱۳۹۲)، «مبانی جغرافیای سیاسی»، انتشارات سمت؛
۲۹. میرحیدر، دره (۱۳۸۳)، «اصول و مبانی جغرافیای سیاسی»، تهران، نشر سمت؛
۳۰. نامی، محمدحسن؛ علی، محمدپور (۱۳۸۷)، «جغرافیای کشور عراق با تاکید بر مسائل ژئوپلیتیک»، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح؛
۳۱. نوروزی، نورمحمد و دیگران (۱۳۸۲)، «چالش مشروعیت و بازسازی نظم سیاسی در خاورمیانه»، ترجمه اسدالله سلیمانی، معاونت پژوهشی: تهران دانشکده امام باقر؛
۳۲. واعظی محمود (۱۳۸۸)، «ثبات‌سازی و امنیت در خلیج‌فارس و نقش متقابل عراق جدید و کشورهای منطقه»، معاونت پژوهشی سیاست خارجی (گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج‌فارس)؛
۳۳. قانون اساسی عراق (۱۳۹۲)، «عراق، قوانین و احکام»، تبریز، انتشارات آیین دادرسی؛
۳۴. باقری، حسین (۱۳۹۲)، «بازیگران داخلی در ساختارسیاسی عراق نوین و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه آفاق امنیت، سال پنجم، شماره ۱۹؛
۳۵. جاسب، نیک‌فر؛ مهدی، ماهیدشتی (۱۳۹۴)، «واکاوی استراتژی نفتی اقلیم کردستان عراق اهداف و رویکردها» پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره چهارده؛
36. Diversa ,Carlo G .Ceretti and Ludwig Paul, Vol ,2. Roma :Istituto Italiano, perlafrica;
37. Glassner M.R and Fahrner, c.(1993), political geography. 2 rdedition. John Wiley & sons New York;
38. Iraq's Policy of Ethnic Cleansing: Onslaught to change national demographic characteristics of the Kirkuk Region , Nouri Talabany Professor of Law, Prefaced by Lord Eric Avebury London 1999;
39. Kolers, a., land, (2009), conflict, and justice: a political theory of territory, Cambridge: Cambridge University press;
40. Mackenzie ,David Neil“ ,)1999(The Origin of Kurdish ,”in :Iranica;
41. www.alalam.ir;
42. www.gkurdistan.com;
43. www.knnc.net;
44. www.krg-kagb.org;
45. www.mnr.krg.org;
46. www.persidenecy.krd;
47. www.reliefweb.int;
48. www.theguardian.com.